

حلقه های مفقود حجاب

<"xml encoding="UTF-8?">

خبرگزاری فارس، نتایج یک آمارگیری را که در تابستان 1380 انجام شده است، چنین گزارش می دهد: «مطالعه میدانی انجام شده در سطح شهر تهران در تابستان 1380 نشان می دهد حدود 54 درصد از زنان تهرانی دارای پوشش کمتر یا غیر اسلامی و غیرقانونی در معابر عمومی هستند.»

آمار ذکر شده مربوط به سه سال قبل در شهر تهران است. مسلماً شهرستانی ها بیشتر به حجاب مقید هستند، اما طبق تحقیقات جامعه شناسی، هر آنچه در بافت اجتماعی شهر تهران رخ می دهد با یک فاصله زمانی، به سایر نقاط کشور تسری می یابد. این فاصله زمانی نیز سال به سال با گسترش وسایل ارتباطی، کمتر می شود. افزایش آمار بدحجابی حتی در شهرستان های کوچک کشور، این نظریه را تأیید می کند. آن هم در کشوری که 25 سال از حکومت یک دولت اسلامی در آن می گذرد و مردمش سابقه آن مقاومت تحسین برانگیز را در مقابل کشف حجاب در کارنامه خود دارند؛ کشوری که رعایت حجاب در آن، حکمی قانونی بوده و عقیقه گی صرف نظر از سودمندی روش ها به انحای مختلف، در آن تشویق می شده است و افراد متخلف به شدت توبیخ می شده اند. هرچند بدحجابی بسیاری از زنان و دختران نه به منزله ضدیت آنها با دین که تنها نوعی سهل انگاری است و بسیاری از ما مسلمانان در مواجهه با اوامر و نواهی دینی داریم، اما عواملی باعث شده است که اخیراً این سهل انگاری ها به صورت نامبارکی افزایش و تسری پیدا کند و بخشی از بدحجابی ها که در واقع نوعی بی حجابی است، به برخوردهای مقابله جویانه با حکومت اسلامی و دین تبدیل شود.

نیکلاس کریسف، خبرنگار مجله نیویورک تایمز در مقاله ای با عنوان «این ایرانی های... (حذف عبارت)» که حاصل سفر او به شیراز است، می نویسد: «زنان و دخترانی که اگر بدون پوشش مناسب اسلامی از خانه خارج شوند به زندان خواهند افتاد، این روزها از لباس هایی استفاده می کنند که نه تنها جذابیت های آنها را خفه نمی کند، که آنها را برجسته تر هم می کند.» او با مشاهده زنان و دخترانی که «مانتوهای چاک دار و تنگ» می پوشند و روسری های آنها «بیشتر شبیه هد بند است تا پوششی برای پنهان کردن موهای رنگ شده شان» تأکید می کند که از این جوانان، متولدین اوایل دهه شصت بعد از انقلاب هستند که امروز می خواهند بسیاری از قوانین و آداب را تغییر دهند.

کریسف، با لحنی طعنه آمیز خطاب به رهبران دینی ما می گوید که باید مواظف باشند، زیرا در پوشش زنان ایرانی نه تنها هیچ اثری از اسلامی بودن نیست که به نوعی وهن عقاید مذهبی نیز محسوب می شود، و این همان دردی است که امروز دل بسیاری از مردم را می سوزاند. پدیده بدحجابی هرچند ریشه در کشف حجاب دوران پهلوی داشت، اما از سال های پایانی جنگ و تضعیف فضای بسیار معنوی سال های اولیه انقلاب، به دلیل اجباری بودن حجاب اسلامی آغاز شد و با سیاست های دوران سازندگی قوّت گرفت و پس از کار آمدن اصلاح طلبان و طرح آزادی های مدنی، ابعاد تازه ای به خود گرفت، به طوری که امروز دولتمردان، متولیان فرهنگ و بسیاری از مردم را به چالش کشانیده و البته واکنش های متفاوتی را نیز به دنبال داشته است.

هشدار در مورد بدحجابی

بسیاری از مردم که حتی در ظاهر تقیّد چندانی به حجاب ندارند، نگران تأثیر حضور زنان و دختران بدحجاب بر فرزندان، همسران و روابط خانوادگی خود هستند. بسیاری دیگر نیز از ارزش هایی سخن می گویند که در این سرزمین ریشه دار بوده و خون جوانان کشور برای پاسداری از آنها ریخته شده است؛ اما اعتراضات مردمی به جز چند مورد امضای طومار در برخی مساجد تهران در اعتراض به این شرایط و برگزاری تظاهرات محدود، در حدّ درد دل های دوستانه باقی می ماند؛ لکن برخی شخصیت های مذهبی و بخشی از مسئولین کشور، به طور رسمی اعتراضات خود را مطرح می کنند.

آیه الله مکارم شیرازی ضمن انتقاد از ترویج صوفی گری و بدحجابی در قم تصریح می کنند: «مسئولان قم در خواب هستند، وقتی مردم راه بیفتند، آنها بیدار می شوند». ایشان ضمن دعوت همگان به امر به معروف و نهی از منکر، تأکید می کنند: «حوزه ها و مسئولان در این زمینه مسئولند و باید خودباختگی را کنار بگذارند و به فکر چاره باشند.»

نیره اخوان، نماینده اصفهان در مجلس پیشنهاد می کند که دولت باید اقدامی کلان برای «حفظ حجاب» انجام دهد و از اختلاط در فضاهای آموزشی از جمله دانشگاه ها جلوگیری کند. حداد عادل، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز می گوید: «در اینکه وضع حجاب کشور باید بهبود یابد، شکی نیست... اما ما با سخت گیری هایی که مغایر قانون باشد، مخالفیم.»

برخی نشریات نیز با جدیت به این موضوع می پردازند. روزنامه جمهوری اسلامی با گزارش های متعدد از جمله نمایش لباس زیر در ویتترین مغازه ها، اعتراض شدید به ابتذال و بدحجابی خانم های شرکت کننده در جشن ملی جوانان، و گزارش دیگر در زمینه برخورد با مظاهر بدحجابی در ماه های اخیر، نگرانی خود را از این شرایط ابراز می دارد.

مجله «یا لثارات» گاه بدحجابان را به اقدامات عملی تهدید می کند و ابراز می دارد که صبر مردم حزب الله حدّی دارد. عضو شورای مرکزی حزب الله در یکی از جلسات این شورا با بیان ریشه های بدحجابی و به طور کلی تخدیر فکری و اعتقادی جامعه، تصریح می کند که اگر مسئولان در مبارزه با مفساد کوتاهی کردند یا توانایی مقابله نداشتند، مردم باید خودشان اقدام کنند.

نیروی انتظامی نیز در این زمینه وارد عمل می شود. سردار قالیباف در پاسخ به خبرگزاری جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه ناجا در زمینه حجاب زنان چه برنامه ای دارد، تصریح می کند: «بر اساس قانون، نیروی انتظامی با افرادی که به صورت زشت و ناپسند و به شکل مانکن در جامعه حضور می یابند، برخورد می کند». البته او معتقد است که ماهیت این نوع برخورد با دیگر برخوردهای نیروی انتظامی متفاوت است، چرا که «این موضوع در واقع یک نوع انحراف اجتماعی است و به صرف برخورد پلیسی حل نخواهد شد» و برای حل ریشه ای آن باید مدیران و کارشناسان کشور چاره جویی کنند.

در تکمیل موضع نیروی انتظامی، سرهنگ عبداللهی، رئیس اداره مبارزه با مفساد اجتماعی نیروی انتظامی تهران بزرگ به خبرگزاری جمهوری اسلامی می گوید: «مأموران نیروی انتظامی به افرادی که با پوشش نامناسب در جامعه حاضر می شوند، تذکر می دهند و فقط در صورت عدم پذیرش تذکر پلیس و مقابله با مأموران، نیروی انتظامی اقدام لازم برای تحویل آنان به مراجع قضایی را عملی خواهد کرد». او می افزاید: «اخیراً شایعاتی در خصوص اعمال خشونت در اجرای طرح برخورد با بدحجابی مطرح شده که همگی کذب محض است.»

اما اخبار نشان می دهد که پس از یک سکوت چندین ساله در برخورد با مفاسد اجتماعی، نیروی انتظامی دوباره حرکت هایی را هرچند با نرمی بیشتر و قانونمندتر از گذشته، آغاز کرده است؛ از آن جمله 132 زن بدحجاب در استان سمنان و 61 تن در استان زنجان دستگیر می شوند که برخی با تعهد کتبی، مرخص شده و برخی دیگر با تشکیل پرونده به مراجع قضایی تحویل می شوند. در شهرستان ارومیه به 3400 نفر از زنان برای رعایت حجاب تذکر داده می شود و در شهر قم و مشهد نیز طرح هایی برای پاک سازی شهر از آلودگی ها اجرا می شود. محمد علی ابطحی، مشاور رئیس جمهور با انتقاد از این عملکرد، در سایت شخصی خود می نویسد: «نیروی انتظامی در مورد مبارزه با بدحجابی در سر خیلی از مراکز رفت و آمد مینی بوس های قشنگی که خودش شکل یک زندان کوچک را دارد، متوقف کرده اند که دیدن آن، دل بد حجاب و با حجاب را می لرزاند.»

بی حجابی، حق زنان در جامعه مدنی

در مقابل این دیدگاه که قائل به منع بدحجابی حتی از طریق اعمال قانون هستند، طیف قدرتمند دیگری است که از آن حمایت می کند. این طیف که آزادی پوشش را از حقوق اولیه زنان و از بدیهیات جامعه مدنی می داند، در رویکرد به بحث حجاب، عمدتاً بر چهار محور تأکید دارد:

1. تشکیک در اصل وجوب حجاب به عنوان یک حکم اسلامی برای زنان، با توسل به تفاسیر جدید از آیات و روایات؛

2. نفی لزوم دخالت حکومت در نحوه پوشش مردم؛

3. آزادی پوشش از حقوق اولیه بشر؛

4. مبارزه سیاسی با نظام حاکم از طریق تأکید بر آزادی پوشش.

شادی صدر که عقیده دارد به دلیل ماهیت کاملاً مذهبی زنان ایران، سخن گفتن از مبارزه با مذهب و جمهوری اسلامی به عنوان عامل نجات زنان، بی نتیجه است و تنها باعث دور شدن آنها از زنانی می شود که می خواهند برای آنها کار کنند، حجاب را از منظر فقهی و علمی به صورت هم زمان مورد توجه قرار می دهد. او در مقاله ای با عنوان «آیا حکومت مسئول بی حجابی است؟»

در مجله زنان، ضمن انتقاد به برخوردهای نیروی انتظامی با زنان و دختران، اشاره می کند که بر طبق آیات قرآن و روایات وارده در این موضوع، استثنائات فراوانی در باب حجاب زنان مطرح است که همگانی بودن حجاب را آن هم با شرایط امروز جهان، کاملاً زیر سؤال می برد. او در ادامه شواهدی نیز از غیر حکومتی بودن حجاب می آورد و می گوید: «نگارنده در جریان تحقیقات خود به هیچ موردی در تاریخ شیعه برخوردی که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب، مجازات شده باشد (اگر چنین شواهدی وجود داشته باشد، از اطلاع یافتن از آن با کمال میل استقبال می شود).»

او در مطلب دیگری، بی حجابی زنان را در مقابل سایر معضلات اجتماعی بسیار کم اهمیت تر می داند و می نویسد: «این سؤال همچنان برجا خواهد ماند که: چه کسی و چگونه اولویت های حکومت اسلامی را تعیین می کند؟ مشاور امور بانوان نیروی انتظامی اخیراً گفته است: این نیرو در حال تهیه لایحه ای برای مبارزه با بدحجابی است. آیا این نیرو و دفتر امور بانوان نیروی انتظامی در حال تهیه قوانینی برای مبارزه با زن کشی، خود سوزی و خودکشی زنان، خشونت خانگی و اجتماعی علیه زنان و... هم هست؟»

راحیل ابوعلی، در مطلبی با عنوان «جنبش بی حجابی» در سایت زنان ایران، حجاب را نمادی از خشونت علیه زنان

می داند که مردان سیاست یا شعار روسری یا توسری در ایران پیاده کرده اند. او می نویسد: «اگر به تاریخ 25 ساله اجبار حجاب در ایران بنگریم می بینیم که زنان ایرانی، دانسته یا ندانسته پایه گذار جنبشی به نام جنبش بی حجابی شده اند که با گذر از مراحل مختلف توانسته است فضایی را با آن وضعیت پوشش به فضایی این چنین تبدیل کند. جنبشی که اگرچه حرکت آن، گاه به دلیل افزایش فشارها و بازداشت ها و مجازات های سخت، کند، و گاه با کاهش محدودیت های اجتماعی که با آغاز ریاست جمهوری محمد خاتمی شاهد آن بوده ایم، سریع گشته، ولی همواره در جامعه ردپایی از خود به جا گذاشته است و اکنون اگر با اتمام دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی و شروع به کار مجلس هفتم همه آزادی های جامعه مدنی (!!!) از شهروندهای ایرانی گرفته شود و جامعه سیری برگشتی را طی کند، این جنبش باز هم به حرکت خود ادامه خواهد داد. چنانچه می بینیم که دختران و زنان ایرانی علی رغم اینکه به طور مرتب مورد هجوم و تاخت و تاز نیروهای تندرو قرار می گیرند و ملزم به پرداخت جریمه و تحمل شلاق می شوند، مجدداً با پوشش های قبلی در اجتماع ظاهر شده و دیگر حاضر به تقلیل خواسته ها و گذشتن از ابتدایی ترین حقوق خود نیستند و تنها تأثیر این خشونت ها را می توان از بین بردن قبح بازداشت و شلاق در میان دختران ارزیابی کرد. تأثیری که جامعه را مجبور به پرداخت بهایی بس سنگین خواهد کرد.»

این گونه ترسیم از فضای اختناق و سرکوبگری که با چاشنی اغراق همراه است، در مطالب دیگری نیز دنبال می شود. به نقل از سایت تریبون فمینیستی ایران، کمیسیون زنان یکی از سازمان های مخالف جمهوری اسلامی با نوشتن نامه سرگشاده ای به خانم لوییز آربور، رییس کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، نگرانی خود را در مورد برخوردهای اخیر حکومت ایران در مورد حجاب زنان ابراز می کند. در بخشی از این نامه آمده است: «نیروهای انتظامی رسمی جمهوری اسلامی ایران و گروه های فشار غیر رسمی آن اخیراً به بهانه بدحجابی و برهنگی، خشونت گسترده ای را علیه زنان و دختران آغاز کرده اند. گزارش هایی که از ایران می رسد حاکی از حمله افراد ناشناس با چاقو به دختران و تهدید به پاشیدن اسید در صورت رعایت نکردن حجاب کامل می باشد. در شهرهای مختلف ایران به صورت کاملاً از پیش برنامه ریزی شده حکم شلاق در مورد زنان و دخترانی که شلوارهای کوتاه (پایین تر از زانو) پوشیده اند، در محل برهنگی اجرا می شود.»

مطالبه آزادی پوشش به عنوان یکی از حقوق زنان، از دیگر مباحثی است که از سوی این طیف ها دنبال می شود. ایمان مظفری در مطلبی با عنوان «همه آماده می خواهیم به مبارزه با مفاسد اجتماعی برویم» که در سایت زنان ایران به چاپ می رسد، از مطالبه ای سخن می گوید که پس از سال ها فشار و محدودیت، امروز زنان به کسب آن امیدوار هستند: «همه اینها یک تحول و دگرگونی جبری در جامعه ای است که به دنبال آزادی است. دختران امروز ما برای اثبات اینکه آزاد هستند، یک نوع دگرگونی را در فضایی که تحت تسلط خودشان باشد به وجود می آورند و آن، هیچ حوزه ای نیست جز حوزه خصوصی خودشان یعنی انتخاب نوع پوشش.»

این گونه موضع گیری ها به صورتی تعدیل یافته تر در برخی نشریات کشور نیز که چنین تفکری بر آنها حاکم است، دنبال می شود. در این نشریات، هیچ گونه مقابله با بدحجابی، از برخورد با تولید کنندگان مانتوهای کوتاه و تنگ تا اعتراضات لفظی برخی مسئولان به بدحجابی فزاینده و لزوم فرهنگ سازی، تحمل نمی شود و با عباراتی نظیر «برخوردهای خشونت آمیز، عدم درک نسل جوان، افسردگی جوانان و نیاز به شادی، تفکر طالبانی و...» به شدت مورد انتقاد قرار می گیرد.

در حالی که فرهنگ عمومی جامعه دارای معضلات عدیده ای از جمله بدحجابی است، واکنش مسئولان کشور، از فرهنگی گرفته تا اجرایی و از نیروهای موسوم به ارزشی و اصول گرا گرفته تا اصلاح طلبان، طبق معمول، ایراد سخنرانی و موضع گیری کلامی است که گاه تنها منشأ سیاسی دارد و گاه به دلیل اختلافات ریشه ای در دیدگاه ها، متناقض می باشد. به این عبارات توجه کنید:

تنها راه حل، کار فرهنگی است؛ باید ضرورت حجاب را برای جوانان تبیین کنیم؛ الگوسازی، مهم ترین کار است؛ تنها راه، بازگشت به ارزش های اصیل اسلامی است؛ باید از برخوردهای سرکوبگرانه پرهیز شود؛ باید جوانان را درک کنیم؛ مشکلات فرهنگی، ریشه در فقر اقتصادی دارند؛ سیاست های گذشته ما را به این جا رسانده است. و بسیاری عبارات دیگر که هرچند هر کدام بخشی از حقیقت را در خود دارند، اما بسیاری کلی، تکراری، غیر کاربردی و غیر عملیاتی هستند و متأسفانه ترجیح بند سخنان همه مسئولین نیز می باشند.

یک نمونه از این نوع موضع گیری ها، تابستان امسال در مجلس شورای اسلامی رخ داد. طرحی با عنوان تدوین آیین نامه حجاب و پوشش در کمیسیون فرهنگی مجلس مطرح شد که به شدت مورد توجه نشریات و خبرگزاری ها قرار گرفت و واکنش های فراوانی را برانگیخت. برخی از آن استقبال کردند و این طرح را موجب قانونمند شدن برخوردهای نیروی انتظامی دانستند و بسیاری دیگر، آن را غیر ضروری و عاملی برای ایجاد محدودیت های جدیدی عنوان کردند که نیروی انتظامی شروع کرده بود. شایق، نماینده مجلس در پاسخ به خبرنگار مجله «حوراء» در مورد طرح آیین نامه حجاب می گوید: «این طرح تنها در کمیسیون فرهنگی مطرح شد و حتی وارد صحن مجلس نیز نشد، زیرا چندان نتوانست حمایت نمایندگان را جلب کند.»

او در مورد علت مهجور ماندن طرح عنوان می کند که ما در بحث حجاب از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و باید نقش نظارتی خود را بر دستگاه های فرهنگی مثل وزارت ارشاد و یا سازمان تبلیغات اسلامی تقویت کنیم و همچنین باید به دنبال ریشه مشکلات فرهنگی جامعه باشیم، زیرا بدحجابی، معلول عوامل دیگری از قبیل فقر و فساد و از همه مهم تر، تبعیض است.

البته هر کدام از نمایندگان دلیل و راه حلی متفاوت برای مسئله عنوان کردند، اما مشکل اینجاست که اندیشمندان، متولیان فرهنگ جامعه و حتی دستگاه های فرهنگی که وظیفه آنها حل این گونه مشکلات است، نیز، دستاوردی نداشته اند.

گویا هشت سال قبل طرحی با عنوان «توسعه فرهنگ عفاف» در شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس پژوهش ها به تصویب رسیده است که صرف نظر از محتوای آن، متأسفانه هیچ گاه به مرحله اجرا نرسیده است. منیره نوبخت، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان تأکید می کند که اگر همه دستگاه ها بر اساس اصول و مبانی مشخص شده در مصوبه وظایف خود را انجام می دادند، ما دیگر امروز با مشکل بدحجابی روبه رو نبودیم. او در ادامه می افزاید: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، جلسات متعددی با نمایندگان دستگاه های اجرایی مختلف؛ از جمله: وزارت علوم، آموزش و پرورش، کار و بهداشت، داشته است که در این جلسات آیین نامه هایی برای نحوه اجرای بندهای مصوبه «توسعه فرهنگ عفاف» به تصویب رسیده است. وی همچنین در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله «حوراء» در مورد اجرا نشدن این مصوبه می گوید: «هرچند مصوبات این شورا به امضای رئیس جمهور می رسد و برای سایر دستگاه ها لازم الاجراست، اما به دلایلی این مصوبه اجرا نشد که یکی از مهم ترین آنها، غلبه فضای سیاسی بر فضای فرهنگی در دستگاه های اجرایی در هشت سال گذشته بوده است.»

وی با اظهار تأسف از انجام کارهای مقطعی و نپخته و بی نتیجه در زمینه حجاب، تأکید می کند که تنها یک درصد

از بدحجابی ها با اعمال مجازات از بین می رود و مابقی نیاز به کار فرهنگی دارد. متأسفانه متن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می دهد مسئولین فرهنگی همچنان گرفتار کلی گویی و تکرار بدیهیات هستند. عملیاتی شدن طرح به عهده شورای فرهنگی اجتماعی زنان نهاده شده، اما نباید فراموش کرد که بازگرداندن عفت عمومی جامعه به سطح مطلوب، در کنار حفظ حداقل مورد نیاز، با توجه به تجربیات گذشته ما در کشور، به سادگی میسر نیست. ما در برخورد با این معضل اجتماعی که زیر مجموعه ای از ناهنجاری های اجتماعی محسوب می شود، در چهار مرحله با مشکل روبه رو هستیم:

1. دست یابی به یک تحلیل دقیق از شرایط جامعه، برآورد نیازهای مختلف فرهنگی جامعه، تعیین اولویت ها و تعیین عوامل فرهنگ ساز در جامعه؛

2. ترسیم یک فضای ایده آل با احتساب تمامی شرایط داخلی و خارجی مؤثر بر جامعه بر مبنای فقه پویای اسلامی و روح حاکم بر قوانین اسلام و به دور از هژمونی فرهنگ غالب جهانی؛

3. ارائه یک طرح عملیاتی برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت تعیین شده در مرحله دوم؛

4. اجرای کامل و بدون اعمال سلیقه های گوناگون که با تعویض مدیران اجرایی معمولاً اتفاق می افتد.

برای رسیدن به این مهم، باید جمعی از نخبگان کشور از طیف های مختلف فکری که همگرایی لازم را در اصول اولیه داشته باشند - در قالب یک گروه قدرتمند پژوهشی - تحت حمایت ویژه یکی از دستگاه های فرهنگی کشور مشغول کار شوند و نتایج پژوهش های عملیاتی شده آنان نیز برای کلیه دستگاه های اجرایی لازم الاجرا باشد.

اصول و مبانی گسترش فرهنگ عفاف

در مسئله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب باید روش های اجرایی دستگاه های مختلف در اهتمام به تقویت عفاف و حجاب، منطقی، جامع، هماهنگ و تابع یک سلسله اصول و مبانی باشد. این اصول و مبانی عبارت اند از: (1) عفاف و حجاب از نتایج و مظاهر ایمان و تقواست. بنابراین برای تقویت آن باید در درجه اول، به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی جامعه که در حکم روح و ریشه و اخلاق و رفتار آنان است، توجه شود.

(2) در توسعه فرهنگ عفاف و حجاب لازم است به تحکیم ارزش ها و مفاهیم اخلاقی خاصی؛ از قبیل: شرم و حیا و آرم و غیرت که با عفاف و حجاب رابطه نزدیک و با واسطه دارند و خود از ثمرات ایمان و تقوا محسوب می شوند و نیز به آموزش احکام شرعی مربوط به عفاف و حجاب و آموزش صحیح رفتار زن و مرد با یکدیگر در جامعه و خانواده، توجه کافی مبذول شود.

(3) توضیح و تبیین دائمی فلسفه و فواید عفاف و حجاب در زندگی فردی و اجتماعی و بیان آثار و نتایج سوء عدم رعایت عفاف و حجاب، امری ضروری است.

(4) عفاف و حجاب یک امر تربیتی خانواده است و تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ عفاف و حجاب در اندیشه و روح افراد، نقش اصلی و عمده را ایفا می کند.

(5) لازم است توجه عموم افراد، خصوصاً جوانان به نقش عفاف و حجاب در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت، و همچنین به آثار مثبت سیاسی این استقلال، جلب، و مقاصد دشمنان در ترویج فرهنگ برهنگی را که خود یکی از راه های تهاجم فرهنگی است، با ذکر شواهد و نمونه های تاریخی، تشریح نمود.

(6) ضروری است به ریشه ها و زمینه های اجتماعی و اقتصادی ضعف عفاف و حجاب از قبیل روحیه اشرافی گری و تجمل پرستی از یک سو و فقر و استیصال مادی از سوی دیگر و نیز دشواری های موجود بر سر راه ازدواج شرعی

و قانونی و تشکیل خانواده، توجه شود و با مبارزه و مقابله با این ریشه ها و انگیزه ها، موجبات ترویج و توسعه عفاف و حجاب فراهم شود.

(7) در توسعه و ترویج عفاف و حجاب باید بر فعالیت های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی تأکید شده، سعی شود فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و محیط به نحوی ساخته شود که افراد به صورت طبیعی در آن فضا به رعایت عفاف و حجاب رغبت نمایند و بدان عادت کنند و از کارهایی که موجب بدبینی به اسلام و نظام اسلامی گردد، پرهیز شود.

(8) در توسعه و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب نباید تنها زنان مخاطب قرار گیرند و نقش و مسئولیت آنان فراموش شود، بلکه باید عفاف و حجاب به عنوان امری که به هر دو جنس زن و مرد مربوط می شود، تلقی شود.

(9) لازم است در معرفی اسوه ها و الگوها در جامعه، به عفاف و حجاب به عنوان یک ارزش، عنایت کافی شود و در تبلیغات و نیز در آثار ادبی و هنری، شأن و منزلت انسانی زنان و ارزش حجاب مورد توجه قرار گیرد.

(10) تبلیغ عفاف و حجاب باید چنان باشد که موجب بدآموزی و اشاعه فحشا نشود و در این زمینه، باید مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد.

(11) در توسعه فرهنگ عفاف و حجاب لازم است میان فعالیت های فرهنگی، ارشادی و اجرایی، همسویی و هماهنگی وجود داشته باشد و برنامه ها و اقدامات انجام شده به صورتی مستمر مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد.

(12) در تبلیغ و ترویج عفاف و حجاب باید بیشتر به جنبه های مثبت تکیه شود و شیوه ها و طرز بیان دوستانه و مؤدبانه به کار گرفته شود و واکنش در برابر عدم رعایت عفاف و بی حجابی، باید تابع مقررات و محدود به حدود قانون باشد و از برخوردهای خشن و اهانت آمیز خودداری شود.

(13) مدیران و مسئولان باید از آگاهی و حساسیت لازم راجع به مسئله عفاف و حجاب برخوردار باشند و مخصوصاً باید به آموزش صحیح مجریان تبلیغ و پاسداری از عفاف و حجاب اولویت داده نشود.

(14) در شهر سازی و معماری باید فرهنگ عفاف و حجاب مد نظر قرار گیرد و محیط کار و نوع برنامه ها و استفاده از وسایل و امکانات به نحوی باشد که خود موجب اختلاط نامناسب زن و مرد شود.

(15) در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب باید به نوع کار و شرایط و مقتضیات محیط زندگی و خصوصیات اقلیمی و سنت ها و آداب محلی و منطقه ای مربوط به لباس و پوشش، با رعایت اصل حکم فقهی حجاب، توجه شود و ضمن قائل شدن حرمت و احترام برای چادر به عنوان کامل ترین و رایج ترین نوع حجاب و تشویق آن به دور از افراط و تفریط، از الزام همگان به استفاده از یک نوع رنگ و شکل خاص خودداری شود. (مراکز اداری، آموزشی و درمانی تابع ضوابط خاص خود می باشند).

(16) به موازات اهتمام به عفاف و حجاب و تبلیغ و ترویج آن، باید تدابیری اتخاذ شود تا چادر و انواع لباس هایی که استفاده از آنها لازمه رعایت عفاف و حجاب است، به آسانی و با هزینه ای معقول و منطقی قابل تأمین باشد. این اصول در شانزده بند در جلسه 413 مورخ 14/11/76 شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید.